

نقش سرمایه فکری بین مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد شرکت

عطاله محمدی ملقرنی^۱، زینب احمدی^{۲*}، یونس پرواره^۳

۱- استادیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد سنندج

۲- دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد سنندج

۳- دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد سنندج

Ahmadizeynab888@ymail.com

چکیده

در سال های اخیر، بسیاری از سازمان ها با استفاده از چارچوب ERM برای مدیریت، طیف وسیعی از خطرات عملکرد خود را بهبود داده اند، زیرا مدیریت ریسک سازمانی (ERM) به عنوان قابل توجه ترین عمل در این دوره محسوب می شود. بنابراین مطالعه حاضر به بررسی تاثیر ERM بر عملکرد شرکت با نقش تعدیل کننده سرمایه فکری و رابطه بین ERM و عملکرد شرکت خواهد پرداخت. به عنوان مثال، شرکت هایی با سرمایه فکری بالاتر می توانند به احتمال زیاد در برابر اثرات تغییرات غیر منتظره در اقتصادها و بازارها مقاوم شوند. یافته ها حاکی از آن است که، کشورهای توسعه یافته مسائل ریسک خود را از طریق سیستم های مدیریت ریسک پیچیده رفع کرده اند، اما کشورهای در حال توسعه مثل پاکستان هنوز با این معضل مواجه هستند. کشورهای توسعه یافته استراتژی های ERM را در بازارهای سرمایه خود اتخاذ کرده اند، اما کشورهای در حال توسعه مانند نیپال، هند، بنگلادش و پاکستان هنوز از کشورهای توسعه یافته در زمینه اتخاذ شیوه های ERM استفاده می کنند.

واژگان کلیدی: ERM، سرمایه فکری، عملکرد شرکت

۱- مقدمه

عملکرد شرکت ها از اهمیت پویایی برای توسعه اقتصادی، سهامداران و سرمایه گذاران برخوردار است. سرمایه گذاران نیاز به بازده بالا در سرمایه گذاری خود دارند و سازماندهی کسب و کار به خوبی می تواند سود سهام درازمدت را برای ذینفعان خود به ارمغان بیاورد. شرکت های دارای عملکرد مالی بالاتر و سودآورتر ممکن است واحدهای تولید محیطی مناسب تر داشته باشند، محصولات با کیفیت بهتر را برای مشتریان خود به ارمغان بیاورند و درآمد کارکنان را افزایش دهند (میرزا و جاوید، ۲۰۱۳). با این وجود، شرکت ها باید برای رسیدن به بازده بالا، با انواع خطرات مواجه شوند. بنابراین، مدیریت باید چشم انداز را متمایز کند تا سازمان بتواند سود را افزایش دهد در حالی که ریسک را کاهش می دهد.

طبق نظر نوکو و استولز (۲۰۰۶)، شرکت هایی که تکنیک های مدرن مدیریت ریسک را تمرین نمی کنند، ممکن است با توجه به بازار رقابتی و تغییرات سریع تکنولوژیکی، با از دست دادن تولید مواجه شوند یا سود کمتری داشته باشند. بنابراین، از چند سال گذشته، شرکت ها سیستم های مدیریت ریسک متعارف خود را به مدیریت ریسک سازمانی تغییر داده اند (رابینسون، ۲۰۰۲).

از نظر بنهام (۲۰۰۴)، مدیریت ریسک سازمانی یک روش جامع و کامل است که مانع از نظارت بالا بر روی ریسک شرکت می شود، علی رغم تجزیه و تحلیل یک به یک خطرات. مفاهیم اساسی ERM این است که هزینه انتظار برای سرمایه و همچنین درآمد را برای افزایش بازده سرمایه شرکت تثبیت کند (استولزی و ایکسیو، ۲۰۱۶). به عنوان مثال، طبق نظر سبحانی و عثمان (۲۰۱۱)، پاکستان در میان کشورهای آنی که از تکنیک مدیریت ریسک سازمانی (ERM) در بازارهای سرمایه خود استفاده می کنند، پایین ترین رتبه را کسب کرده است. این وضعیت بسیار نامطلوب است برای پاکستان زیرا بنگلادش قبل از استقلال پاکستان استقلال یافته است و نمره بالاتری از پاکستان داراست. بنابراین، اهمیت ERM باید در زمینه پاکستان برجسته شود. با این وجود، تا به امروز هیچ مطالعه تجربی در چشم انداز پاکستان وجود ندارد که تأثیر ERM بر عملکرد شرکت را تأمین کند.

تصویب ERM مزایای متعددی را برای سازمان ایجاد می کند از قبیل هماهنگی موثر با مسائل، انطباق، استفاده کارآمد از منابع، گزارش ریسک استاندارد و فرهنگ متمرکز بر ریسک موثر. با این حال، پیشنهاد شده است که سرمایه فکری می تواند رابطه بین ERM و عملکرد شرکت را به طور قابل توجهی کاهش دهد. سرمایه فکری یک شرکت، تعیین کننده اصلی موفقیت آن به ویژه در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر دانش است. سرمایه فکری در ادبیات گذشته به عنوان دارایی های نامشهود و دانش محسوب می شود که شامل اطلاعات دقیق در مورد تامین کنندگان و مشتریان، فن آوری ها، راز تجاری، مهارت های کارکنان، نام های تجاری و ثبت اختراعات است که می تواند ثروت سهامداران را افزایش دهد (استوارت، ۱۹۹۷). شرکت ها توجه خود را از دارایی های ملموس به سرمایه فکری جابجا می کنند، زیرا این کار مزیت رقابتی را برای آنها ایجاد می کند (سرمدی، ۲۰۱۳). سرمایه فکری، در مقایسه با دارایی های ملموس، مزیت رقابتی و کارایی را بهبود می بخشد (ادوینسون، ۱۹۹۷؛ بنتیس، ۱۹۹۸؛ کارل، ۲۰۰۷). بنابراین تصور می شود که سرمایه فکری سریع در یک شرکت می تواند به تطبیق ERM کمک کند تا ارزش شرکت را افزایش دهد.

۲- مدیریت ریسک شرکت

مدیریت ریسک سازمانی (ERM)، یک رویکرد است که از طریق آن سازمان نظارت، تأمین مالی، بهره برداری، کنترل و ارزیابی انواع خطرات از منابع مختلف را به منظور تقویت روابط کوتاه مدت و بلندمدت، مدت اعتبار شرکت انجام می دهد. با این وجود ERM برای بهره مندی نوع خاصی از سهامداران طراحی نشده است، اما ارزش تمام سهامداران را افزایش می دهد. هر نوع کسب و کار با چالش ها، خطرات و عدم اطمینان مواجه است، ERM مشخص می کند که چقدر ریسک ها قابل قبول است تا بتوانند تمام ارزش ذینفعان حفظ شوند. هرچند عدم اطمینان هم در فرصت و هم در ریسک وجود دارد. هدف اصلی ERM هدایت مدیران در جهت انتخاب یک خطر و یا یک فرصت است. سازمان می تواند به هنگام به دست آوردن توازن بین خطرات مرتبط، اهداف بازگشت و رشد، ارزش مطلوبی به دست آورد (کوزو، ۲۰۰۴). فلسفه اصلی کوزو این بود که "ارزش حداکثر می شود زمانی که مدیریت مجموعه ای از استراتژی و اهداف را برای به دست آوردن توازن مطلوب بین اهداف رشد و بازگشت و ریسک های مرتبط، بکار برد و به طور مؤثر و کارآمد منابع را در پی یافتن اهداف سازمان قرار می دهد." (مرتضایی و سانجی، ۲۰۱۷).

منافع بسیاری در استفاده از ERM در سازمان وجود دارد، زیرا به گسترش استقرار سرمایه، به دست آوردن فرصت ها، مدیریت و شناسایی خطرات متقابل سازمانی، کاهش زیان های عملیاتی، افزایش تصمیم گیری های خطرپذیری و ریسک بوسیله استراتژی می پردازد. اساساً، ERM راهنمایی برای مدیریت و کنترل انواع خطرات در شرکت هایی که دارای استراتژی و مدل یکپارچه هستند، می باشد. با وجود خطرات مختلف به طور جداگانه، ERM ارزیابی می کند که عدم اطمینان می تواند تأثیر مثبت یا منفی بر عملکرد شرکت داشته باشد. ERM خطرات مختلف را با همبستگی آنها و رعایت طیف وسیعی از خطرات در یک روش جامع، تجزیه و تحلیل می کند (والکر و همکاران، ۲۰۰۲).

خطر در صورتی که به خوبی مدیریت نشود ممکن است منجر به فروپاشی بیشتر سازمانها شود به ویژه آنهایی که تجارت اصلی آنها در معرض خطرات روزمره قرار دارد. این شامل شناسایی و تجزیه و تحلیل خطرات، ایجاد و اجرای تکنیک های مدیریت ریسک و نظارت بر پیشرفت آن ها جهت جلوگیری و یا کاهش تأثیر ریسک بر عملکرد مالی شرکت می باشد. (کوکوبی و دمچیو، ۲۰۱۶) پس از بحران مالی جهانی و شکست های شرکت ها، نهاد ذینفعان خواستار نظارت بیشتر بر خطرات اصلی شرکت می شوند تا اطمینان حاصل شود که ارزش های سهامداران حفظ و تقویت می شود. یک پاسخ به این انتظارات رو به رشد، ظهور پارادایم جدید "مدیریت ریسک سازمانی" است که به عنوان یک سیستم کنترل داخلی شناخته می شود. انتظار می رود که مدیریت ریسک با تعیین و کاهش ریسک در دستیابی به اهداف استراتژیک، سیستم اندازه گیری عملکرد را تکمیل کند. (کوکوبی و دمچیو، ۲۰۱۶)

همانطور که توسط پاچاچ و وار (۲۰۰۷)، پیشنهاد شده است، مدیریت ریسک سازمانی ارزش افزایشی را ایجاد می کند، اگر جریان نقدی خالص منفی را کاهش دهد و شرکت ها در زمان انتخاب یک پروژه رنج می برند. هویت و لیبنبرگ دریافتند که مدیریت ریسک سازمانی در سطح ۱ درصد مثبت و قابل توجه است. نتایج تجربی حاکی از آن است که مدیریت ریسک سازمانی ارزش شرکت را ۳٫۶٪ و ۱۷٪ افزایش می دهد (هویت و لیبنبرگ ۲۰۰۶، ۲۰۰۸). تحقیقی دیگر نشان می دهد که اگر شرکت تحت مدیریت ریسک پروژه قرار گیرد، ارزش شرکت ۳٫۶ درصد (یعنی ۱۷ درصد) بالاتر از شرکتی است که مدیریت ریسک

سازمانی را انجام نمی دهند. بنابراین، استدلال می شود که مدیریت ریسک سازمانی یکی از عواملی است که می تواند ارزش یک شرکت را افزایش دهد. (ایزاه و رازالی، ۲۰۱۱).

۳- مدیریت ریسک سازمانی (ERM) در پاکستان

تصویر روشن در مورد وضعیت فعلی عملیات ERM در پاکستان به علت فقدان ادبیات و گزارش های علمی، دشوار است. تحلیل گران قرن های گذشته استدلال می کنند که ERM آینده تجزیه و تحلیل ریسک و استراتژی است. با وجود پیاده سازی پیچیده آن در سازمان، ERM از شیوه های معمول مدیریت ریسک متفاوت است و در طولانی مدت به سازمان کمک خواهد کرد. سبحانی و عثمان (۲۰۱۱)، ارزیابی کرده اند که کشورهای توسعه یافته استراتژی های ERM را در بازارهای سرمایه خود اتخاذ کرده اند، اما کشورهای در حال توسعه مانند نپال، هند، بنگلادش و پاکستان هنوز از کشور های توسعه یافته در زمینه اتخاذ شیوه های ERM استفاده می کنند. پاکستان با چندین چالش مانند: کمبود کارکنان فناوری اطلاعات و تصویر امنیتی منفی مواجه است اما با وجود این چالش ها، پاکستان در حال پیشرفت است تا آگاهی ریسک را در میان موسسات آموزشی و سازمان ایجاد کند که از طریق آن عدم اطمینان اقتصادی، حملات تروریستی و اعتصابات، کمتر بر تجارت تاثیر گذار باشد. بانک های تجاری پاکستان قبلاً اقدامات مدیریت ریسک پیشرفته شامل ERM را سازماندهی کرده اند و نیز زودتر از سایر بخش ها آنها را برای به دست آوردن مزیت رقابتی در نظر می گیرند. مطابق با بحث قبلی، ERM یک مفهوم تازه در بازار سرمایه پاکستان است. شرکت های پاکستان چارچوب ERM را توسعه داده اند تا تصمیمات خود را تسهیل کنند و دانش کلی در مورد ریسک هایی که می تواند در آینده در شرکت ایجاد شود، را به دست آورند. (چودری، ۲۰۱۰)

۴- سرمایه فکری و عملکرد سازمانی

دانش، اطلاعات، تجربه و غیره که به طور کلی به عنوان سرمایه فکری نامیده می شود، پایه ای برای موفقیت در قرن بیست و یکم است (موسی خان و روشن، ۲۰۱۷). تکنیک های متعارف اندازه گیری عملکرد قادر به اندازه گیری ابعاد مختلف عملکرد نیستند، زیرا تنها به جنبه های مالی سازمان تمرکز می کنند. در واقع، مزایای سرمایه فکری مانند کارایی مدیریت، ارتباط با مشتری، تحقیق و توسعه، نوآوری و غیره، با اندازه گیری های سنتی سنجش و اندازه گیری بسیار دشوار است (ادوینسون و ملون، ۱۹۹۷). بسیاری از مطالعات برای تعریف و اندازه گیری سرمایه فکری انجام شده است، اما از لحاظ اقتصادی دشوار بوده است. بعضی از محققان مدل VAICTM را برای شناسایی ارتباط بین سرمایه فکری و عملکرد مالی شرکت ها اعمال کرده اند اما نتایج در همه مطالعات مشابه نیستند. (ویلیامز و فیئر، ۲۰۰۳)

برای سازمان های فعال در اقتصاد جدید، سرمایه فکری نه سرمایه فیزیکی به عنوان یکی از ارزشمندترین دارایی های سازمان محسوب می شود. دلیل اینکه سرمایه فکری ارزشمند در نظر گرفته شده مربوط به این واقعیت است که دارایی های نامشهود مهم تر از دارایی های ملموس است (چن و همکاران، ۲۰۱۲)

بر اساس (ادوینسون و ملون، ۱۹۹۷)، IC شامل چهار جزء است؛ انسان، مشتری، فرآیند و نوآوری. IC عمدتاً به صلاحیت فردی، ساختار داخلی و ساختار خارجی تقسیم می شود. اما قابل مشاهده است که پذیرفته ترین چارچوب IC شامل سه جزء است که عبارتند از: سرمایه انسانی (منابع انسانی)، سرمایه ساختاری (ارزش های سازمانی) و سرمایه ارتباطی (روابط). (بنتیس، ۲۰۰۰؛ چن، ۲۰۰۸؛ هسو و فانگ، ۲۰۰۹؛ شی و همکاران، ۲۰۱۰). علاوه بر این، کمیوکم و همکاران (۲۰۱۰)، ذکر می کنند که این سه ابعاد IC با هم در ارتباط هستند و از این رو تأثیر قابل توجهی در موقعیت و عملکرد ارزش شرکت دارند. این توسط (نگاه و ابراهیم، ۲۰۱۱)، پشتیبانی می شود و اشاره کردند که سرمایه فکری باید شامل سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطی برای سازمان ها برای دستیابی به اهداف خود باشند. به عنوان وابستگی متقابل و همسو با یکدیگر، بهبود عملکرد شرکت چیزی است که اکثر سازمان ها در تلاش برای دستیابی به آن هستند (ازکورت و همکاران، ۲۰۱۳).

سرمایه فکری به لحاظ افزایش عملکرد سازمانی و سودآوری سازمانی اهمیت دارد (فیئر و استینبانک، ۲۰۰۳). سرمایه فکری را می توان با اتخاذ شیوه های مدیریتی و استراتژی هایی که ارزش را از طریق نیروی کار سازمان ایجاد می کنند، توسعه داد و استفاده بهتر از آن، بر عملکرد سازمانی در بلندمدت تأثیر می گذارد (اسچیوما و لرو، ۲۰۰۸). بنابراین، سازمان ها در سرتاسر جهان نه تنها تلاش بیشتری در سرمایه گذاری در دارایی های ملموس بلکه در موارد غیرمستقیم نیز انجام می دهند. با این وجود، تمام مطالعات انجام شده برای بررسی رابطه سرمایه فکری و عملکرد سازمانی مطلوب نبوده است. به عنوان مثال فیئر و استینبانک

(۲۰۰۳)، دریافتند که سرمایه انسانی رابطه منفی با عملکرد شرکت دارد. علاوه بر این کاماس (۲۰۰۸)، اشاره کرد که بین سرمایه فکری و عملکرد شرکت ارتباطی وجود ندارد. این را می توان با این واقعیت توضیح داد که رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد سازمانی غیرمستقیم است که نشان می دهد که برخی از متغیرهایی وجود دارند که رابطه را میانه یا متوسط می دانند. دلیل دیگر این است که مطالعات قبلی عمدتاً بر روی دارایی های ملموس تمرکز می کنند که توجه کمتر به دارایی های نامشهود و تاثیر آن بر عملکرد سازمانی دارد. این مطالعه نشان می دهد که رابطه مثبت بین سرمایه فکری و اشتراک دانش در شرکت های تولیدی اثبات شده است که منجر به افزایش سطح مشارکت کارکنان و افزایش عملکرد سازمان می شود. این نتیجه با یافته های (چن و همکاران، ۲۰۱۲؛ نگاه و ابراهیم، ۲۰۱۱؛ ریوتا و مچیتلا، ۲۰۰۸؛ نهاپیت و گوشال، ۱۹۹۸؛ سلیم و خلیل، ۲۰۱۱) سازگار است، (ابیدات و همکاران، ۲۰۱۷).

دانش ایجاد شده و انباشته از استراتژی های سرمایه فکری باید در همه سطوح سازمانی به اشتراک گذاشته و مبادله شود تا مزایای سازمانی استفاده از استراتژی سرمایه فکری را ارتقا دهد (شی و همکاران، ۲۰۱۱). نتیجه این مطالعه رابطه مثبت بین اشتراک دانش و عملکرد سازمانی را ثابت می کند. این نتیجه با نتایج (کیو، ۲۰۱۱؛ زاگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ کیم، ۲۰۱۳؛ قارخانی و موساخانی، ۲۰۱۲؛ نگاه و ابراهیم، ۲۰۱۱؛ یئو، ۲۰۰۶) سازگار است. به اشتراک گذاری دانش و توانایی به دست آوردن و به کارگیری دانش، مهارت های ضروری است که می تواند به طور مستقیم به افزایش عملکرد سازمانی کمک کند (کیم، ۲۰۱۳). تحقیقات دیگر نشان داد که کاربرد و استفاده از شیوه های مدیریت منابع انسانی با مشارکت بالا نیز می تواند به ارتقاء عملکرد سازمانی کمک کند (مویدن خانی و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج این تحقیق نشان داد که به اشتراک گذاری دانش در حقیقت رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد سازمانی را به نحو قابل توجهی میانجی می کند. اشتراک اطلاعات یک عامل اصلی است که مزایای عملکردی حاصل از سرمایه فکری را افزایش می دهد. شرکت های غافلگیر کننده به اشتراک گذاری دانش ممکن است مزایای کامل سرمایه فکری را جذب نکنند (ابیدات و همکاران، ۲۰۱۷). تأثیر بر عملکرد سازمانی و بهبود آن عبارتند از: فرهنگ سازمانی (آبجولی، ۲۰۱۱)، محیط زیست و استراتژی سازمان (تیونمات و اسمیت، ۲۰۱۱)، یادگیری فردی و سازمانی (مولینا و کالاهان، ۲۰۰۹)، مشارکت کارکنان و تعهد به اهداف سازمانی (بهاتی و همکاران، ۲۰۱۱). تعاریف زیادی برای عملکرد سازمانی فراهم شده است، با توجه به قارخانی و موساخانی (۲۰۱۲)، عملکرد به توانایی یک سازمان در ایجاد نتایج و اقدامات در سطح قابل قبول اشاره دارد. علاوه بر این رامایا و همکاران (۲۰۱۱)، اشاره کرد که عملکرد سازمانی اشاره به درجه ای است که یک سازمان با نیازهای خود و نیازهای ذینفعان خود برای زنده ماندن به آن نیاز دارد. زاگ و همکاران (۲۰۰۹)، پنج بعد برای سنجش عملکرد سازمانی پیشنهاد کرد که شامل نوآوری، نرخ توسعه محصول جدید، رضایت مشتری، حفظ مشتری و هزینه های عملیاتی است. از سوی دیگر کلارک و همکاران (۲۰۱۱)، چهار بعد برای سنجش عملکرد سازمانی پیشنهاد می کند: بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام، رشد درآمد و بهره وری کارکنان. (ابیدات و همکاران، ۲۰۱۷)

با توجه به (بنیتس، ۲۰۰۰)، می توان نتیجه گرفت که صرف نظر از صنعتی که در آن یک سازمان فعالیت می کند، سرمایه فکری ارتباط معنی داری با عملکرد شرکت دارد. با سرمایه فکری زیاد، الزام گزارشگری مالی ممکن است افزایش یابد، اما ارزش شرکت را نیز افزایش می دهد. دارایی های معنوی ارزشمند در یک سازمان می تواند مسائل برجسته ای را حل کند مانند: سیاست ریسک، نظارت بر کنترل داخلی، مسئولیت پذیری و گزارش دهی به سهامداران، استراتژی هیئت مدیره و نظارت بر مدیریت ارشد (کرک پاتریک، ۲۰۰۶).

مطالعات پیشین نیز بیان داشتند که بنگاهها با سرمایه فکری، سریع تر و بهتر قادر به تحمل تغییرات پیش بینی نشده در اقتصادها و بازارها هستند. این شرکت ها می توانند به طور معقول در معرض خطر قرار گیرند و می توانند به روش بهتر آنها را اداره کنند (سوفیان و همکاران، ۲۰۰۴). سهم عناصر خاص سرمایه فکری در عملکرد شرکت ها ممکن است بسته به صنعت متفاوت باشد (کیانتو و همکاران، ۲۰۱۰).

۵- مدیریت ریسک شرکت و عملکرد شرکت

در محیط پر جنب و جوش جهانی امروز، مدیریت ریسک یک نگرانی ضروری برای کسب و کار است (گوردون و همکاران، ۲۰۰۹). محققان تخمین زده اند که مدیریت ریسک سازمانی (ERM) یکی از ابزارهای موثر است که توسط شرکت ها برای کاهش خطرات احتمالی آنها استفاده می شود (کیولپ، ۲۰۰۲). به طور کلی، هدف اصلی مدیریت ریسک این است که نظارت مستمر بر عملیات روزانه، ساخت برنامه های بازبایی و نشان دادن فعالیت های خطرناکی که گاهی اوقات درآمد غیرمستقیم به

سازمان ارائه می دهند، باشد. (آندرسن، ۲۰۰۸؛ گوردون و همکاران، ۲۰۰۹؛ مشان و همکاران، ۲۰۱۱). عملکرد مدیریت ریسک پیشرفت قابل توجهی در سه بعد مهم داشته است: ادغام، فناوری و مردم. آینده "موفقیت" عملکرد ریسک بستگی به سرمایه گذاری متوازن در تمام سه حوزه دارد تا بتواند کار خود را به طور کلی انجام دهد.

در طی دهه های گذشته، مدیریت ریسک طیف وسیعی از اقدامات ریسک و همچنین ریسک چندگانه را به خود اختصاص داده است (نوکو و استولز، ۲۰۰۶). اولویت اول و نگرانی عمده شرکت ها در این روزها درک و فهم انواع خطرات مختلف است (لیو، ۲۰۱۲). در صورت برخورد با معضل، ممکن است خطراتی ایجاد شود (آبو و همکاران، ۲۰۰۵). در این روزها، کسب و کارها کمتر در مورد برخورد با خطرات مختلف به صورت جداگانه نگران هستند، در نتیجه، شرایط مانند مدیریت یکپارچه ریسک، مدیریت ریسک شرکت و مدیریت ریسک در سطح گسترده ای از شرکت ها به وجود آمده است (کالیاتا، ۲۰۰۴). ERM توانایی حفظ برخی از خطرات را در مقابله با دیگران دارد و از طریق مدیریت پورتال ریسک پیچیده، ارزش سهام را افزایش می دهد. در اکثر شرکت ها، تنها ریسک اصلی مسئولیت رسیدگی به همه نوع خطرات را دارد، اما در واقع، ارتباطات و ساختار ریسک باید در همه سطوح شرکت توسعه یابد (مولر، ۲۰۰۷). اگر چه کشورهای توسعه یافته قبلاً اقدامات ERM را پذیرفته اند، اما اقتصادهای در حال ظهور هنوز در تلاش برای پیاده سازی چارچوب ERM در بازارهای سرمایه خود هستند. به عنوان مثال، سلطانی زاده و همکاران (۲۰۱۴)، بررسی کردند که پیاده سازی ERM در سراسر صنایع مالزی متفاوت است، هتل ها و بخش های زیربنایی بیشتر احتمال دارد که طرح اولیه ERM را اجرا کنند. برتین تی و همکاران (۲۰۱۳)، از متغیرهای ساختمانی برای اندازه گیری ERM در شرکت های اروپایی استفاده کردند.

۶- پیشینه تحقیق

فیرر و استینبانک (۲۰۰۳)، دریافت که سرمایه انسانی رابطه منفی با عملکرد شرکت دارد. اریک (۲۰۰۵)، در تحقیق خود نشان داد که تکنیکهای مدیریت ریسک در شرکت های بیمه کشور اوگاندا مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین نتایج حاکی از این است که عملکرد مالی شرکت های بیمه در این تحقیق، نسبت های نوسان را با اندازه ROE نشان می دهند.

کاماس (۲۰۰۸)، اشاره کرد که بین سرمایه فکری و عملکرد شرکت ارتباطی وجود ندارد. کوچانسویو و لونکویست (۲۰۰۸)، یک مطالعه برای بررسی رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد شرکت با توجه به سودآوری و بهره وری انجام داد. نتایج نشان داد که سرمایه فکری با بهره وری رابطه معنی داری دارد، اما هیچ رابطه ای با سودآوری ندارد. موا و همکاران (۲۰۰۹)، با استفاده از نمونه ای از شرکت های چینی، به بررسی تاثیر استراتژی مدیریت ریسک بر عملکرد توسعه محصول جدید پرداختند. یافته های آنها نشان می دهد که استراتژی های مدیریت ریسک که بر عوامل تکنولوژیکی، سازمانی و بازاریابی تمرکز می کنند، به صورت جداگانه و تعاملی عملکرد توسعه محصول جدید را بهبود می بخشد.

گوردون و همکاران (۲۰۰۹)، رابطه بین مدیریت ریسک و عملکرد سازمانی را مورد بررسی قرار داد. آنها نشان دادند که این رابطه بستگی به پنج عامل خاص شرکت دارد، عدم اطمینان محیط زیست، رقابت در صنعت، پیچیدگی شرکت، اندازه شرکت، و نظارت بر هیئت مدیره. در نهایت، آنها اظهار داشتند که برای اجرای ERM، شرکتها باید به متغیرهای متنی که در اطراف شرکت وجود دارد توجه کنند. آنها یک رویکرد جامع برای ارزیابی اثر مدیریت ریسک سازمانی (ERM) بر عملکرد شرکت ارائه کردند. با در نظر گرفتن ۱۱۲ شرکت آمریکایی به عنوان نمونه، آنها ادعا کردند که ارتباط بین ERM و عملکرد شرکت بستگی به رابطه مناسب بین ERM و پنج عامل موثر بر یک سازمان دارد، نظارت هیئت مدیره، پیچیدگی شرکت، اندازه شرکت، رقابت صنعت و عدم قطعیت محیط زیست.

زقال و ملول (۲۰۱۰)، در تحقیقی که در ۳۰۰ شرکت انگلستانی بود نشان داد که رابطه معنادار مثبتی بین سرمایه فکری و عملکرد مالی شرکت وجود دارد. تسنگ (۲۰۱۰)، نشان داد که سرمایه فکری بر عملکرد سازمانی تأثیر قابل توجهی دارد. پاچاج و وار (۲۰۱۰)، نیز تأثیر پذیرش ERM بر عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار دادند. آنها یک نمونه ۱۰۶ تایی از شرکت ها را انتخاب کردند و تصمیم گرفتند ERM را از طریق استخدام مدیر ارشد ریسک اندازه گیری کنند. آنها تصور می کردند که مدیر ارشد ریسک ممکن است اغلب ERM را در سازمان اداره و پیاده سازی کند. در نتیجه، آنها دریافتند که تصویب ERM می تواند نوسانات درآمد را کاهش دهد. با این وجود، آنها مکانیزم ایجاد ارزش ERM را پیدا نکردند. محسن و همکاران (۲۰۱۱)، در تحقیقی با عنوان "مدیریت ریسک مؤثر و عملکرد شرکت: سرمایه گذاری در نوآوری و سرمایه فکری با استفاده از

رویکرد رفتاری و عملی". که بر توانایی پاسخ مدیریت ریسک به خارج از عوامل کنترل بازار متمرکز شده است تا تسهیل سودآوری سازمانی را افزایش دهد که منجر به بهبود عملکرد شرکت می شود. نتایج تحقیق آنها نشان داد که ارتباط مثبت و معنی دار بین مدیریت ریسک کلیدی و عملکرد شرکت در شرکت هایی که در، توسعه و نوآوری سرمایه گذاری کرده اند و شرکت هایی که در سطح بالایی از سرمایه های فکری و صنایع دارای دانش سریع سرمایه گذاری می کنند، وجود دارد.

گوپتا (۲۰۱۱)، مدیریت ریسک را در شرکت های هند بررسی می کند و دلایل پذیرش یا عدم پذیرش رویکرد یکپارچه در مدیریت ریسک را بررسی می کند. وی نشان می دهد که حتی اگر مدیریت ریسک مؤثر بتواند عملکرد سازمانی را بهبود بخشد، شرکت ها زیرساخت های کافی برای مدیریت ریسک سرمایه گذاری گسترده ای ندارند.

هیت و لینبرگ (۲۰۱۱)، در تحقیقی دریافتند که پیاده سازی ERM ارزش مثبت نسبت به ارزش شرکت دارد. آرنولد و همکاران (۲۰۱۱)، پیشنهاد کردند، ERM از مهارت سازمانی پشتیبانی می کند. علاوه بر این، ERM به مهارت شرکت در انطباق با قوانین جدید نظارتی کمک می کند. ویلند و والنبرگ (۲۰۱۲)، به این نتیجه رسیدند که مهارت استراتژیک رابطه ی قابل توجهی با عملکرد شرکت دارد و مدیریت ریسک رابطه ی قابل توجهی در مهارت شرکت دارد. کوون و همکاران (۲۰۱۲)، اثر مهمی از ERM بر عملکرد شرکت نیافتند. کیساکا و اووو (۲۰۱۳)، در تحقیق آنها تأیید شده است که پیاده سازی ERM تأثیر قابل توجهی در ارزش ۲۲ شرکت که در بورس اوراق بهادار ناپروبی با اندازه گیری Tobin Q ثبت شده است، دارد. همچنین رابطه معنی داری بین سطح اجرای ERM و ارزش شرکت وجود دارد.

جلال کریم (۲۰۱۳)، توضیح داد که استفاده از ERM به افزایش مزایای کسب و کار در بحرین کمک خواهد کرد. ویشنیو و گاپتا (۲۰۱۴)، نشان داد که سرمایه فکری به طور مثبت بر عملکرد شرکت تأثیر می گذارد.

شاد و لای (۲۰۱۵)، چارچوب پیاده سازی ERM را به تصویب رساندند تا اثر آن بر عملکرد شرکت (EVA) تأمین شود. با استفاده از ۱۲۰ شرکت سهامی فهرست شده در مالزی، تأثیر مثبت اجرای ERM در عملکرد شرکت توسط محققان معتبر است. پینگ و مسیوولو (۲۰۱۵)، نیز به ارزیابی اجرای ERM و تأثیر آن بر عملکرد شرکت، در شرکت های ثبت شده در مالزی پرداختند. آنها از طریق روش بررسی، تقریباً ۱۰۳ پاسخ را با مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل کردند. یافته های آنها نشان می دهد که پیاده سازی ERM می تواند بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت داشته باشد.

ایکنوورت (۲۰۱۵)، نیز رابطه ناچیزی از اجرای ERM و عملکرد شرکت در شرکت های بیمه هلندی پیدا کرد. احمد و ماناب (۲۰۱۶)، از طریق روش بررسی داده ها از ماموران مالی اصلی و مدیران ارشد، ریسک اصلی در نیجریه را جمع آوری کردند. آنها اظهار داشتند که پیاده سازی ERM می تواند به طور مثبت بر عملکرد مالی و غیر مالی شرکت تأثیر بگذارد. فلوریو و لئونی (۲۰۱۶)، نیز اثرات مثبتی از پیاده سازی ERM بر عملکرد شرکت در شرکت های ایتالیایی نشان دادند. نوازخان و انگوکی علی (۲۰۱۷)، به این نتیجه رسیدند که تأثیر قابل توجه و مثبت مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد شرکت وجود دارد. به ویژه در پاکستان به دلیل کمبود شواهد تجربی، ارتباط بین تصویب ERM و عملکرد شرکت وجود دارد.

سلیمان و آدم (۲۰۱۷)، در تحقیقی به بررسی نحوه اجرای برنامه مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد شرکت ها با استفاده از مدل مدیریت ریسک سازمانی برای بخش بانکی و یک مدل یکپارچه برای اندازه گیری شاخص مدیریت ریسک سازمانی مورد استفاده در مطالعه مختار و سلیمان ۲۰۱۶ می پردازد. ده بانک تجاری ذکر شده با شاخص مدیریت ریسک سازمانی به عنوان متغیر مستقل اصلی و بازده سهام میانگین (ROAE)، بازگشت قیمت سهام (SPR) و ارزش شرکت (FV) به عنوان سه متغیر مستقل جداگانه انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان می دهد که رابطه مثبت بین پیاده سازی مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد در بخش بانکی نیجریه وجود دارد. یافته های این مطالعه سازگار با سایر مطالعات است که از داده های صنایع مختلف استفاده می کنند و مبنایی را فراهم می آورند تا یافته های این مطالعه را به طور کلی به شرکت های صنایع دیگر متصل سازند.

اندریوا و گارنیا (۲۰۱۷)، در تحقیقی به مطالعه، ارائه بینش تجربی در رابطه بین سه عنصر اصلی IC (انسان، ارتباطی و ساختاری) و عملکرد سازمانی شرکت های روسی، از جمله سودآوری سرمایه، رشد خالص فروش و سهم بازار، پرداختند. نمونه شامل ۲۴۰ شرکت روسی است. اطلاعات در مورد عناصر مختلف سرمایه فکری با کمک یک پرسشنامه که توسط مدیریت اجرایی شرکت های موجود در نمونه در طی ماه های ژانویه تا مارس ۲۰۱۵ پاسخ داده شده است جمع آوری گردید. داده ها با استفاده از مقیاس هایی جمع آوری گردید که در حال حاضر در سطح بین المللی مورد استفاده قرار گرفته است. یافته ها بر مبنای تحلیل رگرسیون نشان می دهد که سرمایه ساختاری و انسانی بر عملکرد سازمانی تأثیر مثبت دارد، در حالی که سرمایه ارتباطی تأثیری ندارد. مافرولا و همکاران (۲۰۱۷)، به این نتیجه رسیدند که شرکت های خصوصی اقدامات داوطلبانه مدیریت ریسک پروژه را

انجام می دهند. آنها با استفاده از نتایج یک نظرسنجی که شامل ۷۸ نفر از پاسخ دهندگان بود، در مورد اعمال روش های ERM در شرکت های خصوصی ایتالیا و در مورد اینکه آیا تصویب ERM تحت تاثیر ساختار مالکیت شرکت قرار گرفته است، بررسی کردند. آنها فهمیدند که این آژانس منازعه بین سهامداران و سهامداران اقلیت است که وقتی پراکندگی مالکیت کاهش می یابد، بر ERM اثر می گذارد و زمانی که مالکیت بیشتر پراکنده می شود، شرکت تمرکز بیشتری بر پروژه های ERM دارد. علاوه بر این، نقش های مختلف صاحبان مختلف را مستند کردند. به طور خاص، در راستای تئوری آژانس حامی، شرکت های تحت کنترل دولت تحت شدت بیشتر ERM قرار می گیرند در حالی که در مطابقت با نظریه آژانس رفتاری، شرکت های تحت کنترل فردی و خانوادگی کمتر به تصویب ERM توجه می کنند.

نتیجه گیری

شرکت های دارای عملکرد مالی بالاتر و سودآورتر ممکن است واحدهای تولید محیطی مناسبتر داشته باشند، محصولات با کیفیت بهتر را برای مشتریان خود به ارمغان بیاورند و درآمد کارکنان را افزایش دهند، همچنین شرکت هایی که تکنیک های مدرن مدیریت ریسک را تمرین نمی کنند، ممکن است با توجه به بازار رقابتی و تغییرات سریع تکنولوژیکی، با از دست دادن تولید مواجه شوند یا سود کمتری داشته باشند. بنابراین، از چند سال گذشته، شرکت ها سیستم های مدیریت ریسک متعارف خود را به مدیریت ریسک سازمانی تغییر داده اند. دانش، اطلاعات، تجربه و غیره که به طور کلی به عنوان سرمایه فکری نامیده می شود، پایه ای برای موفقیت در قرن بیست و یکم است (موسی خان و روشن، ۲۰۱۷).

با این حال، پیشنهاد شده است که سرمایه فکری می تواند رابطه بین ERM و عملکرد شرکت را به طور قابل توجهی کاهش دهد. سرمایه فکری یک شرکت، تعیین کننده اصلی موفقیت آن به ویژه در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر دانش است. سرمایه فکری، در مقایسه با دارایی های ملموس، مزیت رقابتی و کارایی را بهبود می بخشد. بنابراین تصور می شود که سرمایه فکری سریع در یک شرکت می تواند به تطبیق ERM کمک کند تا ارزش شرکت را افزایش دهد.

مدیریت ریسک سازمانی یک روش جامع و کامل است که مانع از نظارت بالا بر روی ریسک شرکت می شود همچنین مدیریت ریسک سازمانی، انتخاب استراتژی را افزایش می دهد. انتخاب استراتژی نیاز به تصمیم گیری ساختاری دارد که ریسک را تحلیل می کند و منابع را با ماموریت و بینش سازمان ترکیب می کند (کوزو، ۲۰۱۷).

نتیجه اینکه کشورهای توسعه یافته مسائل ریسک خود را از طریق سیستم های مدیریت ریسک پیچیده رفع کرده اند، اما کشورهای در حال توسعه مثل پاکستان هنوز با این معضل مواجه هستند. پاکستان در میان کشورهایی که از تکنیک مدیریت ریسک سازمانی (ERM) در بازارهای سرمایه خود استفاده می کنند، پایین ترین رتبه را کسب کرده است. این وضعیت بسیار نامطلوب است برای پاکستان زیرا بنگلادش قبل از استقلال پاکستان استقلال یافته است و نمره بالاتری از پاکستان داراست.

مدیریت ریسک سازمانی (ERM)، یک رویکرد است که از طریق آن سازمان نظارت، تأمین مالی، بهره برداری، کنترل و ارزیابی انواع خطرات از منابع مختلف را به منظور تقویت روابط کوتاه مدت و بلند مدت، مدت اعتبار شرکت انجام می دهد. با این وجود ERM برای بهره مندی نوع خاصی از سهامداران طراحی نشده است، و ارزش تمام سهامداران را افزایش می دهد. هر نوع کسب و کار با چالش ها، خطرات و عدم اطمینان مواجه است، ERM مشخص می کند که چقدر ریسک ها قابل قبول است تا بتوانند تمام ارزش ذینفعان حفظ شوند. منافع بسیاری در استفاده از ERM در سازمان وجود دارد، زیرا به گسترش استقرار سرمایه، به دست آوردن فرصت ها، مدیریت و شناسایی خطرات متقابل سازمانی، کاهش زیان های عملیاتی، افزایش تصمیم گیری های خطرپذیری و ریسک بوسیله استراتژی می پردازد. اساساً، ERM راهنمایی برای مدیریت و کنترل انواع خطرات در شرکت هایی که دارای استراتژی و مدل یکپارچه هستند، می باشد. با وجود خطرات مختلف به طور جداگانه، ERM ارزیابی می کند که عدم اطمینان می تواند تاثیر مثبت یا منفی بر عملکرد شرکت داشته باشد. همچنین انتظار می رود که مدیریت ریسک با تعیین و کاهش ریسک در دستیابی به اهداف استراتژیک، سیستم اندازه گیری عملکرد را تکمیل کند. نتایج نشان می دهد که پیاده سازی مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد شرکت تأثیر قابل توجه و مثبت دارد.

کشورهای توسعه یافته استراتژی های ERM را در بازارهای سرمایه خود اتخاذ کرده اند، اما کشورهای در حال توسعه مانند نپال، هند، بنگلادش و پاکستان هنوز از کشورهای توسعه یافته در زمینه اتخاذ شیوه های ERM استفاده می کنند. همچنین نتایج سایر مطالعات به شرح زیر می باشد:

نوازان و انگوکی علی (۲۰۱۷)، در یک بررسی مفهومی تأثیر تعدیل کننده سرمایه فکری را با استدلال های نظری درباره رابطه بین ERM و عملکرد شرکت پیشنهاد کرده اند همچنین پیشنهاد شده است که مطالعات آینده باید این رابطه را به صورت جداگانه در بخش مالی و غیر مالی در پاکستان آزمایش کنند. به منظور گسترش دیدگاه، مطالعات باید تأثیر ERM را بر عملکرد و عملکرد بازار تأمین کند. سیاست افشای پاکستان ضعیف است، بنابراین اثربخشی ERM را نمی توان با شاخص های ERM معمولی توسعه داد که توسط محققان قبلی مورد آزمایش قرار گرفت. پیشنهاد می شود که شاخص ERM در پاکستان توسعه یابد. سلیمان و آدم (۲۰۱۷)، نشان دادند که یک رابطه مثبت بین پیاده سازی مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد در بخش بانکی نیجریه وجود دارد. یافته های این مطالعه سازگار با سایر مطالعات است که از داده های صنایع مختلف استفاده می کنند و مبنایی را فراهم می آورند تا یافته های این مطالعه را به طور کلی به شرکت های صنایع دیگر متصل سازند.

اندریوا و گارنینا (۲۰۱۷)، نشان دادند که سرمایه ساختاری و انسانی بر عملکرد سازمانی تأثیر مثبت دارد، در حالی که سرمایه ارتباطی تأثیری ندارد. ابیدت و همکاران (۲۰۱۷)، به این نتیجه رسیدند که سرمایه فکری بر عملکرد سازمانی و به اشتراک گذاری دانش تأثیر مثبت دارد و به اشتراک گذاری دانش تأثیر مثبتی بر عملکرد سازمانی دارد. همچنین، مشخص شد که اشتراک دانش، تأثیر مثبتی بر رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد سازمانی داشته است.

مافرولا و همکاران (۲۰۱۷)، به این نتیجه رسیدند که در راستای تئوری آژانس حامی، شرکت های تحت کنترل دولت تحت شدت بیشتر ERM قرار می گیرند در حالی که در مطابقت با نظریه آژانس رفتاری، شرکت های تحت کنترل فردی و خانوادگی کمتر به تصویب ERM توجه می کنند. تئو و همکاران (۲۰۱۷)، یافته های تجربی تحقیق آنها نشان می دهد که پیاده سازی ERM ارتباط معنی داری با عملکرد شرکت دارد و چابکی استراتژیک به طور معناداری این ارتباط را میانجی می کند. با این حال، QIAF رابطه بین اجرای ERM و عملکرد شرکت را به طور قابل ملاحظه ای کاهش نمی دهد. مرتضایی و سانجی (۲۰۱۷)، در تحقیقی که به بررسی تغییرات در عملکرد مالی با توجه به اجرای ERM می پردازد. آزمون های یکنواخت مطالعه نمونه نشان می دهد، که استفاده از ERM، نوسان کمتری در قیمت سهام داشته و افزایش معناداری در اندازه و اهرم متغیرها دارد.

منابع

- 1- nn dreeva T., rrr nnnna T. (2017). InuuuuuuuuCppllll 1nd Its Impcct on the ii nanllll 1 rrrformancee of Russian Manufacturing Companies. Foresight and STI Governance, vol. 11, no 1, pp. 31-40.
- 2- Accenture (2017). Global Risk Managmant Study: Executive Summar. www.Accenture.com/RiskStudy2017.
- 3- Ahmed, I. and N.A. Manab, 2016. Influence of enterprise risk management framework implementation and board equity ownership on firm performance in Nigerian financial sector: An initial finding. IOSR Journal of Business and Management, 18(1): 61-68. View at Google Scholar
- 4- Agbejule, A. (2011) Organizational Culture and Performance: The Role of Management Accounting System. Journal of Applied Accounting Research , 12, 74-89.
- 5- Arnold, V., Benford, T., Canada, J., Sutton, S.G. (2011), The role of strategic enterprise risk management and organizational flexibility in easing new regulatory compliance. International Journal of Accounting Information Systems, 12(3), 171-188.
- 6- Aabo, T., J.R. Fraser and B.J. Simkins, 2005. The rise and evolution of the chief risk officer: Enterprise risk management at Hydro One. Journal of Applied Corporate Finance, 17(3): 62-75. View at Google Scholar | View at Publisher
- 7- Andersen, T.J., 2008. The performance relationship of effective risk management: Exploring the firm-specific investment rationale. Long Range Planning, 41(2): 155-176. View at Google Scholar | View at Publisher
- 8- Banham, R., 2004. Enterprising views of risk management. Journal of Accountancy, 197(6): 65-71. View at Google Scholar
- 9- Berry-Stölzle, T.R. and J. Xu, 2016. Enterprise risk management and the cost of capital. Journal of Risk and Insurance. View at Google Scholar
- 10- Bontis, N., 1998. Intellectual capital: An exploratory study that develops measures and models. Management Decision, 36(2): 6376. View at Google Scholar | View at Publisher
- 11- Bhatti, W., Waris, S., Zaheer, A. and Rehman, K. (2011) The Effect of Commitment and Motivation on Human Talent and Its Contribution to Organizational Perfor mance. Management & Marketing Challenges for the Knowledge Society ,6, 471- 482.

- 12- Bontis, N. (2000) Managing Organizational Knowledge by Diagnosing Intellectual Capital: Framing and Advancing the State of the Field. In: Bontis, N., Ed., World Congress on Intellectual Capital Readings , Butterworth-Heinemann, Boston, 621- 642.
- 13- Bertinetti, G.S., E. Cavezzali and G. Gardenal, 2013. The effect of the enterprise risk management implementation on the firm value of European companies. Department of Management, Università Ca'Foscari Venezia Working Paper(10).
- 14- Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (2017). Enterprise Risk Management Integrating with Strategy and Performance.
- 15- Clarke, M., Seng, D. and Whiting, R. (2011) Intellectual Capital and Firm Performance in Australia. Journal of Intellectual Capital , 12, 505-530.
- 16- Chen, M., Wang, Y. and Sun, V. (2012) Intellectual Capital and Organizational Commitment. Personnel Review , 41, 321-339.
- 17- Chen, Y.S. (2008) The Positive Effect of Green Intellectual Capital on Competitive Advantages of Firms. Journal of Business Ethics , 77, 271-286.
- 18- Carrell, J., 2007. Intellectual capital: An inquiry into its acceptance. Business Renaissance Quarterly, 2(1): 67-96. View at Google Scholar
- 19- Choudhry, W., 2010. Enterprise risk management. Retrieved from <http://www.icpap.com.pk/frontend/web/attachments/newsletters/news%20letter%20June-2010.pdf>
- 20- COSO, 2004. Enterprise risk management. Committee of the Sponsoring Organizations of the Treadway Commission.
- 21- Culp, C.L., 2002. The revolution in corporate risk management: A decade of innovations in process and products. Journal of Applied Corporate Finance, 14(4): 8-26. View at Google Scholar | View at Publisher
- 22- Edvinsson, L., 1997. Developing intellectual capital at Skandia. Long Range Planning, 30(3): 320-373. View at Google Scholar | View at Publisher
- 23- Edvinsson, L. and Armstrong, M. (1997) Intellectual Capital: The New Key to Organizational Success by Finding Its Hidden Brainpower. Harper Business, New York.
- 24- Eric N (2005) Risk management techniques financial performance in the insurance sector in Uganda. MSc. Makerere University.
- 25- Eklund, L., 2015. Risk management and performance in insurance companies. Thesis, University of Twente.
- 26- Firer, S. and Stainbank, L. (2003) Testing the Relationship between Intellectual Capital and a Company's Performance: Evidence from South Africa. Accounting Research , 11, 25-44.
- 27- Florio, C. and G. Leoni, 2016. Enterprise risk management and firm performance: The Italian case. British Accounting Review: 1-19.
- 28- Hakkio, S. and Usakhan, S. (2012) Enterprise risk management and firm performance: Organizational Performance. Journal of Chinese Entrepreneurship , 4, 35-49.
- 29- Gordon LA, Loeb MP, Tseng CY (2009) Enterprise risk management firm performance: A contingency perspective. Journal of Accounting Public Policy Paper 28: 301-327.
- 30- Gupta PK (2011) Risk management in Indian companies: EWRM concerns issues The Journal of Risk Finance Paper 12: 121-139.
- 31- Gordon, L.A., M.P. Loeb and C.Y. Tseng, 2009. Enterprise risk management and firm performance: A contingency perspective. Journal of Accounting and Public Policy, 28(4): 301-327. View at Google Scholar | View at Publisher
- 32- Hoyt, R.E. and A.P. Liebenberg, 2008. The value of enterprise risk management: Evidence from the US insurance industry. In Unpublished Paper. Retrieved http://www.aria.org/meetings/2006papers/Hoyt_Liebenberg_ERM_070606.pdf.
- 33- Hsu, Y.H. and Fang, W. (2009) Intellectual Capital and New Product Development Performance: The Mediating Role of Organizational Learning Capability. Technological Forecasting and Social Change , 76, 664-677.
- 34- Hoyt, R.E., Liebenberg, A.P. (2011), The value of enterprise risk management. Journal of Risk and Insurance, 78(4), 795-822.
- 35- Hoyt, R. E., & Liebenberg, A. P. (2006). The Value of Enterprise Risk Management: Evidence from the U.S. Insurance Industry. Available at: http://www.aria.org/meetings/2006papers/Hoyt_Liebenberg_ERM_070606.pdf
- 36- Hoyt, R. E., & Liebenberg, A. P. (2008). The Value of Enterprise Risk Management: Evidence from the U.S. Insurance Industry. Available at: http://www.risknet.de/typo3conf/ext/bx_elibrary/elibrarydownload.php?&downloaddata=537

- 37- Izah, M. T., Razali, A. R (2011). THE RELATIONSHIP BETWEEN ENTERPRISE RISK MANAGEMENT (ERM) AND FIRM VALUE: EVIDENCE FROM MALAYSIAN PUBLIC LISTED COMPANIES. *International Journal of Economics and Management Sciences*. Vol. 1, No. 2, pp. 32-41
- 38- Jalal-Karim, A. (2013), Leveraging enterprise risk management (ERM) for boosting competitive business advantages in Bahrain. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 9(1), 65-75.
- 39- Kokobe S.A., Gemechu, D (2016) Risk Management Techniques and Financial Performance of Insurance Companies. *Int J Account Res* 4: 127.
- 40- Kamukama, N., Ahiauzu, A. and Ntayi, J. (2010) Intellectual Capital and Performance: Testing Interaction Effects. *Journal of Intellectual Capital* ,
- 41- Kuo, T. (2011) How to Improve Organizational Performance through Learning and Knowledge? *International Journal of Manpower* , 32, 581-603.
- 42- Kim, T., Lee, G., Paek, S. and Lee, S. (2013) Social Capital, Knowledge Sharing and Organizational Performance. *International Journal of Contemporary Hospitality* ,25, 683-704.
- 43- Kujansivu, P. and Lonnqvist, A. (2008) Measuring the Impacts of an IC Development Service: The Case of the Pietari Business Campus. *Electronic Journal of Knowledge Management* , 7, 469-480.
- 44- Kamath, G.B. (2008) Intellectual Capital and Corporate Performance in Indian Pharmaceutical Industry. *Journal of Intellectual Capital* , 9, 684-704.
- 45- Kianto A., Hurmelinna-Laukkanen P., Ritala P. (2010) Intellectual capital in service- and product-oriented companies. *Journal of Intellectual Capital*, vol. 11, no 3, pp. 305–325.
- 46- Kalita, M., 2004. Enterprise-wide risk management: Myth or reality? *Business Credit New York then Columbia MD*, 106(3): 2223. View at Google Scholar
- 47- Kirkpatrick, M.G., 2006. Intellectual assets and value creation: Implications for corporate reporting. Organization for Economic Co-Operation and Development. Retrieved from <https://pdfs.semanticscholar.org/58ce/38b3e456de8d4f8ff884ca19149b59720636.pdf>.
- 48- Liu, X., 2012. Model for evaluating the risk management of trade enterprise with interval intuitionistic trapezoidal fuzzy information. *Advances in Information Sciences & Service Sciences*, 4(4): 11-17. View at Google Scholar | View at Publisher
- 49- Mortezaee M., Sanji D (2017). Enterprise risk management and firm performance evidence from financial market of Iran. *Research Journal of Management Sciences*. ISSN 2319–1171 Res. J. Management Sci. Vol. 6(3), 6-12.
- 50- Musa Khan A., Anas Raushan, M (2017). An Empirical Study of the Impact of Intellectual Capital on Indian IT Industry. *Research Scholar, Aligarh Muslim University, India*.
- 51- Moideenkutty, U., Al-Lamki, A. and Murthy, Y. (2011) HRM Practices and Organizational Performance in Oman. *Personnel Review* , 40, 239-251.
- 52- Molina, C. and Callahan, J. (2009) Fostering Organizational Performance. *Journal of European Industrial Training* , 33, 388-400.
- 53- oo hsen J, Arzzoo AC, hhh dd B (2011) Effccvvv rsk mnnagement oompny's prrformanee: Investment in innovations intellectual capital using behavioural practical approach. *Journal of Economics International Finance* 3: 780-786.
- 54- Mua J, Gang P, Douglas L, Lachlan M (2009) Effect of risk management strategy on NPD performance tec novation Paper, pp: 170-180.
- 55- Mirza, S.A. and A. Javed, 2013. Determinants of financial performance of a firm: Case of Pakistani stock market. *Journal of Economics and International Finance*, 5(2): 43-52. View at Google Scholar | View at Publisher
- 56- McShane, M.K., A. Nair and E. Rustambekov, 2011. Does enterprise risk management increase firm value? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 26(4): 641-658. View at Google Scholar | View at Publisher
- 57- Moeller, R.R., 2007. COSO enterprise risk management: Understanding the new integrated ERM framework. Hoboken: John Wiley & Sons.
- 58- aa fro,,, E., aa oæza, ,, ” mmoq E (2016). Enrrrprsse Rsk aa nagement In Private Firms: Does Ownership Structure Matter? *The Journal of Applied Business Research – March/April* , Volume 32, Number 2.
- 59- Nocco, B.W. and R.M. Stulz, 2006. Enterprise risk management: Theory and practice. *Journal of Applied Corporate Finance*, 18(4): 8-20. View at Google Scholar
- 60- Ngah, R. and Ibrahim, A. (2011) The Influence of Intellectual Capital on Knowledge Sharing: Small nnd ee duum Enrrrprss's Prrspccvvy. *Communooooos of the IBIAA* , 2011, Areeeee: 444770.

- 61- Nawaz Khan, S., Engku Ali, E.I (2017). The Moderating Role of Intellectual Capital Between Enterprise Risk Management and Firm Performance: A Conceptual Review. *American Journal of Social Sciences and Humanities*, 2(1): 9-15.
- 62- Nahapiet, J. and Ghoshal, S. (1998) Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage. *The Academy of Management Review* , 23, 242-266.
- 63- Obeidat, B.Y., Abdallah, A.B., Aqqad, N.O., Akhoershiedah, A.H.O.M. and Maqableh, M. (2017). The Effect of Intellectual Capital on Organizational Performance: The Mediating Role of Knowledge Sharing. *Communications and Network* , 9, 1-27.
- 64- Pagach, D.P. and R.S. Warr, 2010. The effects of enterprise risk management on firm performance. Available from SSRN 1155218.
- 65- Ping, T.A. and R. Muthuveloo, 2015. The impact of enterprise risk management on firm performance: Evidence from Malaysia. *Asian Social Science*, 11(22): 149-159. View at Google Scholar | View at Publisher
- 66- Pagach, D., & Warr, R. (2007, August). An Empirical Investigation of the Characteristics of Firms Adopting Enterprise Risk Management. Available at: http://papers.ssrn.com/sol3/Delivery.cfm/SSRN_ID1010200_code58675.pdf?abstractid=1010200&mirid=1
- 67- Quon, T.K., D. Zeghal and M. Maingot, 2012. Enterprise risk management and firm performance. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 62: 263-267. View at Google Scholar
- 68- Ramayah, T., Samat, N. and Lo, M. (2011) Market Orientation, Service Quality and Organizational Performance in Service Organizations in Malaysia. *Asia - Pacific Journal of Business Administration* , 3, 8-27.
- 69- Ruta, C.D. and Macchitella, U. (2008) Fostering Intellectual Capital through Communication Technologies: An Analysis of Knowledge Sharing Determinants. *International Journal of Learning and Intellectual Capital* , 5, 123-152.
- 70- Robinson, G., 2002. Exploring risk management in probation practice contemporary developments in England and Wales. *Punishment & Society*, 4(1): 5-25. View at Google Scholar | View at Publisher
- 71- Sofian, S., M. Tayles and R.H. Pike, 2004. Intellectual capital: An evolutionary change in management accounting practices. Issues 4-29 of Working Paper Series (University of Bradford. School of Management).
- 72- Seleim, A. and Khalil, O. (2011) Understanding the Knowledge Management-Intellectual Capital Relationship: A Two-Way Analysis. *Journal of Intellectual Capital* , 12, 286-614.
- 73- Shad, M.K. and F.W. Lai, 2015. Enterprise risk management and firm performance validated through economic value added factors. *International Journal of Economics and Statistics*, 3: 148-154.
- 74- Soliman, A., Adam, M (2017). Enterprise Risk Management and firm performance: an integrated model for the banking sector. *Banks and Bank Systems (open-access)* , 12 (2), 116-123. doi:[http://10.21511/bbs.12\(2\).2017.12](http://10.21511/bbs.12(2).2017.12)
- 75- Shih K.H., Chang, C.J. and Lin, B. (2010) Assessing Knowledge Creation and Intellectual Capital in Banking Industry. *Journal of Intellectual Capital* ,11, 74-89.
- 76- hhhium, .. nnd Lrrro, A. (2008) InuuuuuuuuCppllll ll d Compny's Prr formnee Improvemen.. *Measuring Business Excellence* , 12, 3-9.
- 77- Soltanizadeh, S., S.Z.A. Rasid, N. Golshan, F. Quoquab and R. Basiruddin, 2014. Enterprise risk management practices among Malaysian firms. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 164: 332-337. View at Google Scholar | View at Publisher
- 78- Sarmadi, S., 2013. Investigating of relationship between intellectual capital and financial performance of petrochemical companies listed in Tehran stock exchange. Retrieved from SSRN 2251620.
- 79- uubhan,, .. I. and A. Osmnn, 2011. The sssnee of enrprsse rsk managemnt nnooday's businsss enterprises in developed and developing nations. Available from SSRN 1818862
- 80- Stanton, T.H., 2012. Why some firms thrive while others fail: Governance and management lessons from the crisis. USA: OUP
- 81- Stewart, T.A., 1997. Brainpower: Who owns it and how they profit from it. *Fortune-European Edition*, 135: 64-69.
- 82- uubhan,, .. I. and A. Osmnn, 2011. The sssnee of enrprsse rsk managem.. t nnooday's businsss enterprises in developed and developing nations. Available from SSRN 1818862
- 83- Stanton, T.H., 2012. Why some firms thrive while others fail: Governance and management lessons from the crisis. USA: OUP

- 84- Stewart, T.A., 1997. Brainpower: Who owns it and how they profit from it. Fortune-European Edition, 135: 64-69.
- 85- Teoh, A.P., Yeang Lee, K., Muthuveloo, R (2017). The Impact of Enterprise Risk Management, Strategic Agility, and Quality of Internal Audit Function on Firm Performance. International Review of Management and Marketing Vol 7. Issue 1. 222-229.
- 86- Tuanmat, T. and Smith, M. (2011) Changes in Management Accounting Practices in Malaysia. Asian Review of Accounting , 19, 221-242.
- 87- Tseng, S. (2010) The Correlation between Organizational Culture and Knowledge Conversion on Corporate Performance. Journal of Knowledge Management , 14, 269-284.
- 88- Uzkurt, C., Kumar, R., Kimzan, H. and Eminoglu, G. (2013) Role of Innovation in the Relationship between Organizational Culture and Firm Performance. European Journal of Innovation Management , 16, 92-117.
- 89- Vishnu, S. and Gupta, K. (2014) Intellectual Capital and Performance of Pharmaceutical Firms in India. Journal of Intellectual Capital , 15, 83-99.
- 90- Waweru, N., Kisaka, E. (2013), The effects of enterprise risk management implementation on the value of companies listed on the Nairobi stock exchange. Journal of Applied Finance and Banking, 3(3), 81-105.
- 91- Wieland, A., Wallenburg, C.M. (2012), Linking risk management practices and strategies to performance. International Journal of Physical Distribution and Logistics Management, 43(10), 887-905.
- 92- Walker, P.L., W.G. Shenkir, T.L. Barton and T.L. Barton, 2002. Enterprise risk management: Pulling it all together. Altamonte: Springs: Institute of Internal Auditors Research Foundation.
- 93- Yeo, R.K. (2006) Building Knowledge through Action Systems, Process Leadership and Organizational Learning. Foresight , 8, 34-44.
- 94- Zeghal, D. and Maaloul, A. (2010) Analysing Value Added as an Indicator of Intellectual Capital and its Consequences on Company Performance. Journal of Intellectual Capital , 11, 39-60.
- 95- Zack, M., McKeen, J. and Singh, S. (2009) Knowledge Management and Organizational Performance: An Exploratory Analysis. Journal of Knowledge Management , 13, 392-409.

Role of Intellectual Capital Between Enterprise Risk Management and Firm Performance

Atta Alla Mohammadi mlgharni¹, Zaynab Amadi^{*1}, Younes Parware³

Assistant Professor of Accounting, Accounting Department, Free University of Sanandaj

Ph.D. Student of Accounting, Accounting Department, Free University of Sanandaj

Ph.D. Student of Accounting, Accounting Department, Free University of Sanandaj

Ahmadizeynab888@ymail.com

Abstract

In recent years, many organizations have improved the range of performance risks through the use of the ERM framework for management, as corporate risk management (ERM) is considered to be the most significant action in this period. Therefore, the present study examines the impact of ERM on corporate performance with the role of intellectual capital moderator and the relationship between ERM and corporate performance. For example, companies with higher intellectual capital can be more likely to resist the effects of unexpected changes in economies and markets. The findings indicate that developed countries have eliminated their risk issues through complex risk management systems, but developing countries like Pakistan are still facing this problem. Developed countries have adopted ERM strategies in their capital markets, but developing countries like Nepal, India, Bangladesh and Pakistan still use developed countries to adopt ERM practices.

Keywords: ERM, Intellectual Capital, Corporate Performance